

بسم الله الرحمن الرحيم

آمادگی برای ازدواج

راهنمای کاربردی برای جوانان والدین و متخصصین خانواده

مولفان:

بهناز عابدی

(کارشناس ارشد مشاوره خانواده)

دکتر مریم السادات فاتحی زاده

(دانشیار دانشگاه اصفهان)

سرشناسه	: عابدی، بهناز
عنوان و نام پدیدآور	: آمادگی برای ازدواج: راهنمای کاربردی برای جوانان، والدین و متخصصین خانواده
مشخصات نشر	: اصفهان: کنکاش، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۴۱۳ ص. ۲۴×۱۷ س.م.
شابک	: 978-600-136-249-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیای مختصر
یادداشت	: این مدرک در آدرس http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
شناسه افزوده	: فاتحی زاده، مریم السادات
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۶۵۳۲۵



انتشارات کنکاش، ناشر بزرگ‌ترین ناشر کشور سال ۱۳۹۰ و ناشر برگزیده ی استان سال ۱۳۸۸

آمادگی برای ازدواج

ن.ف:	بهناز عابدی - دکتر مریم السادات فاتحی زاده
ناشر:	انتشارات کنکاش
نوبت چاپ:	اول
تاریخ نشر:	۱۳۹۱
تیراژ:	۱۰۰۰ ج.د
مدیر تولید:	محمد جعفری
ناظر فنی:	محمدحسین جعفری
صفحه آرایی:	فاطمه شاهبطری
چاپ:	کنکاش
صحافی:	پیمان
قیمت:	۲۰۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۱۳۶-۲۴۹-۱

اصفهان، سه راه حکیم نظامی، ابتدای خیابان ارتش، چاپ و نشر کنکاش
تلفن: ۳۶۲۵۸۰۴۹ (۰۳۱)

فهرست مطالب

فصل اول: جوانی و ازدواج

۲	جوانی و بزرگسالی
۳	تغییرات جسمانی
۴	شکل‌گیری هویت
۶	تغییرات شناختی و اخلاق
۹	تجربه‌ی فاعلی
۱۰	انعطاف‌پذیری شناختی
۱۱	تفکر دیالکتیکی
۱۸	تغییرات هیجانی و اجتماعی
۱۸	حالت‌های دلبستگی کودکی و روابط رمانتیک در بزرگسالی
۲۱	دیدگاه‌های نظری در زمینه‌ی جوانی

فصل دوم: آمادگی برای ازدواج

۳۰	هدف و فلسفه ازدواج
۳۱	دیدگاه‌های نظری در زمینه‌ی ازدواج
۳۸	آمادگی برای ازدواج
۴۳	اهمیت آمادگی برای ازدواج

فصل سوم: انواع آمادگی برای ازدواج

انواع آمادگی برای ازدواج.....	۴۸
آمادگی‌های درونی (شخصی) برای ازدواج.....	۴۸
آمادگی هیجانی.....	۴۸
آمادگی اجتماعی.....	۶۱
آمادگی برای نقش‌ها.....	۷۳
آمادگی‌های بیرونی برای ازدواج.....	۷۷
آمادگی مالی.....	۷۸
برنامه‌ریزی کردن برای مسئولیت‌های مختلف.....	۸۳

فصل چهارم: عوامل مؤثر بر آمادگی برای ازدواج

عوامل مؤثر بر آمادگی برای ازدواج.....	۹۰
ویژگی‌های شخصیت.....	۱۰۷
اجتماعی شدن و زمانبندی اجتماعی.....	۱۰۸
تأثیر خانواده اصلی.....	۱۱۰
تمایز نیافتگی.....	۱۱۳
آمیختگی یا امتزاج.....	۱۱۵
مثلت‌سازی.....	۱۱۶
فرآیند برون سازی خانواده.....	۱۱۸
وابستگی عاطفی حل نشده.....	۱۱۹
فرآیند انتقال چند نسلی.....	۱۲۰
نگرش نسبت به تنهایی.....	۱۲۱
ویژگی‌های جمعیت‌شناختی.....	۱۲۲
جذابیت فیزیکی.....	۱۲۳
ارتباط و موافقت زوجی.....	۱۲۴

فصل پنجم: فاصله نسلها و عوامل مؤثر بر آن

۱۲۷.....	فاصله نسلها.....
۱۲۷.....	شرایط مؤثر بر روابط و فاصله‌ی نسلی در خانواده.....
۱۲۸.....	روابط والد - فرزندی، سبک‌های تربیتی و فاصله‌ی نسلها.....
۱۳۱.....	تفاوت و تشابه ارزشی در بین نسلها و فاصله‌ی بین نسلی.....
۱۳۳.....	تغییرات در روابط والدین و نوجوانان.....
۱۳۵.....	عوامل مؤثر بر شکاف و تضاد نسلها.....
۱۳۵.....	تأثیر خانواده.....
۱۳۷.....	تفاوت رابطه فرزندان با پدر و مادر.....
۱۳۸.....	تأثیر متغیرهای زمینهای (جمعیت شناختی و اقتصادی).....
۱۴۱.....	تأثیر درمیان.....
۱۴۲.....	تأثیر رسانه‌ها.....

فصل ششم: پژوهش‌های انجام شده در زمینه آمادگی برای ازدواج و فاصله نسلها

۱۴۴.....	پژوهش‌های انجام شده در زمینه آمادگی برای ازدواج.....
۱۶۹.....	پژوهش‌های انجام شده در زمینه شکاف نسلها.....

فصل هفتم: گزارش پژوهش کیفی در زمینه ازدواج

۱۸۰.....	روش پژوهش.....
۱۸۱.....	ابزار گردآوری اطلاعات.....
۱۸۱.....	سؤالات مصاحبه.....
۱۸۳.....	جامعه آماری.....
۱۸۳.....	نمونه و روش نمونه‌گیری.....
۱۸۳.....	مراحل اجرایی پژوهش.....
۱۸۴.....	روش تجزیه و تحلیل اطلاعات.....
۱۸۵.....	مشخصات جمعیت‌شناختی نمونه.....
۱۸۸.....	تحلیل داده‌ها.....

۱۹۵.....	آمدگی اقتصادی
۱۹۷.....	مهارت‌های شناختی و ذهنی
۲۰۰.....	خانواده
۲۰۲.....	هیجانی/ عاطفی
۲۰۳.....	اجتماعی/ بیرونی
۲۰۶.....	آگاهی‌ها
۲۰۸.....	تمایل/ انگیزه
۲۱۱.....	ویژگی‌های شخصیتی
۲۱۴.....	ویژگی‌های فردی مرتبط با همسر
۲۱۶.....	جسمانی/ سلامتی
۲۱۷.....	مهارت‌ها
۲۱۹.....	مذهبی/ اعتقادی

فصل هشتم: دیدگاه خانواده، والدین و متخصصین خانواده در مورد آمادگی برای ازدواج

۲۳۴.....	۱، اقتصادی
۲۳۷.....	۲، مهارت‌های شناختی و ذهنی
۲۴۰.....	۳، آمدگی خانواده
۲۴۶.....	۴، آمدگی هیجانی/ عاطفی
۲۴۹.....	۵، آمدگی اجتماعی/ بیرونی
۲۵۴.....	۶، آگاهی‌ها
۲۵۶.....	۷، تمایل/ انگیزه
۲۶۰.....	۸، ویژگی‌های شخصیتی
۲۶۱.....	۹، ویژگی‌های فردی مرتبط با همسر
۲۶۴.....	۱۰، جسمانی/ سلامتی
۲۶۸.....	۱۱، مهارت‌ها
۲۷۰.....	۱۲، آمدگی مذهبی/ اعتقادی

فصل نهم: تفاوت دیدگاه جوانان، والدین و متخصصین خانواده در

مورد آمادگی برای ازدواج

تفاوت دیدگاه دختران و پسران در مورد آمادگی برای ازدواج ۲۸۳

دلایل تفاوت دختران و پسران در آمادگی برای ازدواج ۲۹۰

فصل دهم: نمونه‌های موردی از مشکلات مؤثر بر ازدواج‌های ناموفق

الف، مشکلات جسمانی ۲۹۴

ب، مشکلات روانی ۳۰۶

ج، مشکلات جنسی ۳۳۰

د، مشکلات دیگر ۳۴۱

www.ketab.ir

پیش گفتار

انتخاب همسر و ازدواج یکی از مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌های فرد در زندگی به شمار می‌رود، ولی متأسفانه بسیاری از افراد، برای آماده ساختن خود به منظور برقراری ارتباط‌های زناشویی وقت و انرژی لازم را صرف نمی‌کنند. زوجین معمولاً به جای این که مهارت‌هایی برای دستیابی به یک ازدواج شاد و پایدار کسب کنند، وقت بیشتری را به آماده سازی - بیشتر برای جشن ازدواج سپری می‌کنند.

بسیاری از زوج‌ها نیز عاشق می‌شوند و مستقیماً فکر می‌کنند همسری که انتخاب کرده‌اند، همان زن یا مردی است که دنبالش می‌گشتند ولی بعد از عروسی و یک ماه عسل خوب، همه چیز تبدیل به یک کابوس می‌شود. بعضی از دلایل اصلی این مسأله عبارتند از انتظارات بسیار بالا، مشکلات ارتباطی، مشکلات مالی و...، که توجه به این مسائل، لزوم آمادگی برای ازدواج را بارزتر می‌نمایند.

همان طور که تحقیقات نشان داده‌اند آگاهی برای ازدواج می‌تواند از بروز مشکلات بعدی در زندگی زناشویی پیش‌گیری نماید. همچنین بسیاری از جوانان بدون در نظر گرفتن این آمادگی‌ها وارد عرصه‌ی مهمی مانند ازدواج می‌شوند و متأسفانه والدین نیز توجه چندانی به این مسأله ندارند، علاوه بر این بسیاری از جوانان به علت عدم آمادگی‌های لازم و داشتن ترس‌های مختلف، ازدواج را تاخیر می‌اندازند و همین تأخیر منجر به مشکلات متعددی می‌شود. بنابراین وجود این مشکلات را به آن داشت تا به بررسی معیارهای آمادگی برای ازدواج بپردازیم. از آن جایی که منابع مورد در زمینه ازدواج این معیارها را به طور اختصاصی مورد بررسی قرار نداده‌اند و برعکس منابع نیز معیارهای متناسب با فرهنگ ایرانی را مطرح ننموده‌اند به مصاحبه با جوانان، پدران، مادران و متخصصین خانواده و ازدواج پرداختیم تا بتوانیم ویژگی‌هایی که یک جوان باید برای ورود به ازدواج داشته باشد را به طور اختصاصی مشخص و مقوله‌بندی نماییم و تفاوت دیدگاه جوانان، والدین و متخصصین را در این باره مورد تحلیل قرار دهیم.

این کتاب خالی از اشکال نیست. در همین جا از تمامی کسانی که با مطالعه کتاب، نکات مبهم یا اشتباه آن را گوشزد می نمایند، پیشاپیش تشکر و قدردانی می کنیم، چرا که امکان ارتقای دانش ما را از طریق سهیم کردنمان در اطلاعاتشان فراهم ساخته اند. در پایان از حاصل تلاش های ارزنده ی همه کسانی که ما را در انتشار این کتاب یاری نمودند تشکر می کنیم و مطالعه ی این کتاب را به جوانان در شرف ازدواج، پدران و مادران، دانشجویان مشاوره و روان شناسی و متخصصین خانواده و ازدواج توصیه می کنیم. همچنین استفاده از این کتاب در آموزش های پیش از ازدواج و آماده سازی جوانان برای ازدواج پیشنهاد می شود.

بهناز عابدی، مریم السادات فاتحی زاده

بهار ۱۳۹۳

راهنمای استفاده از کتاب

این کتاب به ده فصل تقسیم می‌شود. هر فصل ابعادی از آمادگی برای ازدواج را مورد بررسی قرار می‌دهد.

فصل‌های اول تا چهارم کتاب، به بررسی انواع آمادگی‌ها برای ازدواج و عوامل موثر بر آن می‌پردازد. از آن جایی که نظر والدین در ازدواج فرزندانشان تأثیر بسزایی دارد، بنابراین در فصل پنجم مسأله گسست نسلی مطرح شده است. فصل ششم به ارائه پژوهش‌هایی که در زمینه آمادگی برای ازدواج و گسست نسلی انجام شده‌اند می‌پردازد.

کتاب حاضر حاصل یک پژوهش کیفی است که با جوانان، والدین دارای فرزندان در سن ازدواج و متخصصین خانواده مصاحبه شد که نظرات آن‌ها در این زمینه در فصل هفتم به صورت نتایج آماری گزارش می‌شود.

در فصل هشتم و نهم نتایج مصاحبه با جوانان، والدین و متخصصین خانواده در زمینه آمادگی برای ازدواج به صورت صیغی ارائه می‌شود و تفاوت دیدگاه‌های آن‌ها با یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل دهم نیز به نمونه‌هایی از ازدواج‌های ناموفق اختصاص داده شده است تا جوانان بتوانند دیدگاه گسترده‌تری به ازدواج داشته باشند و آن‌ها را با مشکلاتی از این دست مواجه هستند بتوانند با آگاهی بیشتری به انتخاب و ازدواج بپردازند. از طرف دیگر والدین و متخصصین هم بتوانند در راهنمایی جوانان برای ازدواج از این نمونه‌ها استفاده نمایند.

با ورود به دنیای بزرگسالی، تغییراتی در موقعیت و پایگاه فرد ایجاد می‌شود. اتخاذ یک حرفه تمام وقت، ازدواج و صاحب فرزند شدن به تدریج فرد را از وابستگی اقتصادی به والدین به سوی استقلال اقتصادی و از مشارکت در مسائل مربوط به اعضای خانواده به سوی تشکیل خانواده برای خود، خصوصاً در صورت ازدواج، سوق می‌دهد. حداقل، تا آغاز جنگ جهانی دوم، ازدواج در مقایسه با پدیده‌هایی مثل فراوانی از تحصیل، ورود به بازار کار یا جدا شدن از خانواده‌ی پدری، به عنوان معرف اصلی ورود به دنیای بزرگسالی محسوب می‌شد (پاپل^۱ و نلیسن^۲، ۱۹۹۹).

فرآیند بزرگسالی مستلزم پدیدآیی مجموعه‌ای از تغییرات است که هر یک از آنها نقش برجسته‌ای در ارتباط و تعامل فرد با دنیای بزرگسال دارد. شاید بتوان اصلی‌ترین تغییرات در این فرآیند را در دو محور اصلی ردیابی کرد: یکی از این محورها به دگرگونی شرایط اقتصادی فرد مربوط می‌شود. به سخن دیگر فرد بایستی از وابستگی اقتصادی به والدین به سمت استقلال اقتصادی حرکت کند. این حرکت که در نهایت در قالب اشتغال تحقق می‌یابد، دشواری‌ها و ناهمواری‌های فراوانی را در خود دارد که زمینه-

^۱ Popple, F.V.

^۲ Nelissen, J.

ساز بخشی از مشکلات گذار از نوجوانی به بزرگسالی است (پاپل و نلیسن، ۱۹۹۹). دومین تغییر به جایگاه فرد در چارچوب خانواده مربوط می‌باشد. طی سال‌های کودکی و نوجوانی فرد به عنوان عنصری از کانون خانواده است که در آن والدین، بنیان‌گزاران اصلی محسوب می‌گردند، اما از سال‌های جوانی و ابتدای بزرگسالی حرکت به سمت بنا نهادن خانواده‌ای است که فرد نقش اصلی در پایه‌ریزی آن دارد. این حرکت دوم که سرانجام در قالب ازدواج تجلی می‌یابد، بحران‌ها و چالش‌های فراوانی را همراه دارد (پاپل و نلیسن، ۱۹۹۹).

بر اساس گفته‌های انسان‌شناسان، ازدواج در گذشته و حال و در فرهنگ‌های سنتی جهانی به عنوان انتقال نهایی به بزرگسالی مورد توجه قرار گرفته است (شلگل و بری^۱، ۱۹۹۱؛ به نقل از بدگر^۲، ۲۰۰۵) و رویدادی است که گذر از پسر به مرد شدن و از دختر به زن شدن را مایان می‌داند (آرنت^۳، ۱۹۹۸). در این فرهنگ‌ها فقط بعد از ازدواج است که یک فرد به موفقیت بزرگ‌الی می‌رسد و مسئولیت‌های بزرگسالی را بر عهده می‌گیرد. مسئولیت‌های مهم بزرگسالی در گذشته در فعالیتهایی مثل فراهم کردن، محافظت کردن، تولید کردن و همه‌ی فعالیت‌هایی که شامل انجام وظایف در قبال دیگران بوده، خلاصه می‌شده است (آرنت، ۱۹۹۸؛ گیلور^۴، ۲۰۰۵؛ به نقل از بدگر، ۲۰۰۵).

تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که اکثر برآیندهای ازدواج و رویدادهای دیگر (مثل: تمام کردن مدرسه، به دست آوردن یک شغل و والد شدن را معیارهای مهم و ضروری برای بزرگسال شدن نمی‌دانند. در عوض، جوانان صفات شخصی و فردی‌تری را به عنوان معیار بزرگسالی گزارش می‌کنند. به ویژه، مردان جوان، معتقدند زمانی که بزرگسالی رسیده‌اند که برای خودشان مسئولیت قبول کنند، به استقلال مالی برسند و تصمیم‌گیرندگان مستقلی شوند و زنان جوان معتقدند زمانی بزرگسال می‌شوند که مسئولیت‌های مردان را بپذیرند، به طور مستقل تصمیم‌گیری کنند و رسیدگی کردن به دیگران را رشد دهند (آرنت، ۱۹۹۸).

¹ Schlegel & berry

² Badger, S.

³ Arnett, J. J.

⁴ Gilmor

در مورد تأکید و پافشاری هنجارهای اجتماعی در به تعویق انداختن ازدواج (به رغم تمامی مشکلات و دشواری‌هایی که پدید می‌آورد) سه استدلال و بحث محوری در متون علمی موجود است که پیچیدگی مسأله را مضاعف می‌سازند. نخستین مقوله به رشد جسمانی و این که آیا فرد از لحاظ رسیدگی فیزیولوژیک به حد تعادل رسیده است، مربوط می‌گردد. دیدگاه غالب در این زمینه، بر این اساس استوار است که ازدواج زودرس، سلامت مرد، زن و فرزندان آن‌ها را تهدید می‌کند. برخی از مؤلفین بر این اعتقاد هستند که در مورد مرد، ازدواج پیش از پایان یافتن رشد جسمانی، فرد را با تقلیل انرژی زیستی مواجه می‌سازد. به عنوان مثال، این آثار منفی در مورد زنی که روند رشد جسمانی خود را به پایان نرسانده و خیم‌تر نیز می‌باشد، زیرا وی در معرض به دنیا آوردن نوزاد در این مقطع سنی است. نوزاد چنین زوجی نیز در معرض تهدید است، چرا که مسئولیت نگهداری و پرورش او به عهده‌ی والدین رشد نیافته است (پاپل و نلیسن، ۱۹۹۹). به رغم تهدیدهایی که در پژوهش‌ها در مورد ازدواج زودرس و سلامت به آن‌ها اشاره شده، با نگاهی عاقلانه می‌توان به آوازه‌ی دست یافت که بر اساس آن‌ها زمانی که ازدواج دیرتر از موعد هنجار نیز اتفاق می‌افتد سلامت جسمانی و روانی زوجین و سلامت فرزندان آن‌ها متزلزل می‌گردد (مک فارلین، ۱۹۸۰).

دومین مقوله در هنجارهای اجتماعی، به در به تعویق انداختن سن ازدواج مؤثر می‌باشد، توانمندی اقتصادی است. به سخن دیگر، بر اساس این هنجار، افراد بایستی قبل از ازدواج به خود کفایی اقتصادی رسیده باشند. بر خلاف تئوری نخست (رشد جسمانی)، در مقوله‌ی اخیر، وضعیتی ایستا وجود ندارد. تورم و دیگر تغییرات اقتصادی، تغییر نرم‌های زندگی و رفاه اجتماعی، گسترش تکنولوژی، مهاجرت به شهرها و فراموشی سپرده شدن چارچوب زندگی سنتی و پیدایش نیازهای جدید، از جمله مواردی هستند که توانمندی و خود کفایی اقتصادی را در حالتی پویا قرار داده و دائماً سطح بهینه‌ی آن را ارتقاء می‌دهند (ون پراگ^۲، ۱۹۸۰). همچنین باید گفت که جهان معاصر با جهان پیشین تفاوت اساسی و

^۱ Macfarlane, A.

^۲ Vanpragg, P.

کیفی دارد. در گذشته با تحقق بلوغ زیستی، بلافاصله بلوغ اقتصادی رخ می‌داد؛ یعنی بلوغ زیستی و بلوغ اقتصادی همزمان بودند. وقتی جوان از لحاظ اقتصادی بالغ شود، هویت می‌یابد؛ زیرا در جامعه کسی به عنوان بزرگسال پذیرفته می‌شود که استقلال مالی داشته باشد. پس در گذشته مشکل هویتی جوان بلافاصله حل می‌شد. در آن دوره جوان چهارده یا پانزده ساله وارد بازار کار می‌شد؛ به ویژه کارهای سنگین که خود به خود اوقات فراغت وی را پر می‌کرد. بنابراین مشکل روانی چندانی هم برایش به وجود نمی‌آمد. علاوه بر این، مشکل زیستی جوان هم حل می‌شد؛ زیرا بلافاصله می‌توانست ازدواج کند. اما در جهان حاضر بین بلوغ زیستی و بلوغ اقتصادی شکاف عظیمی رخ داده است؛ یعنی بلوغ زیستی در همان سیزده یا چهارده سالگی رخ می‌دهد و این روند حتی در حال کاهش است و مسائلی چهره به رد تغذیه و تحریک‌های محیطی به آن دامن می‌زند. بنابراین، از یک سو بلوغ زیستی زود انجام می‌گیرد و از سوی دیگر، بلوغ اقتصادی خیلی دیر اتفاق می‌افتد؛ یعنی شخص باید ده، شانزده، هجده، مدرکی بگیرد، دوره‌ی نظام وظیفه را بگذراند و سر کار برود تا این که به استقلال مالی برسد ازدواج کند و مشکل زیستی خود را حل کند (علیخانی، ۱۳۸۲).

سومین معیار در هنجارهای اجتماعی، گونه‌ای که در برابر ازدواج‌های زودرس ایستادگی می‌کند، بحث ریش روانی-اجتماعی است. نیاز به ریش اجتماعی و تغییر روابط از نظر عاطفی، از اصلی‌ترین پیش‌نیازهای ازدواج است. فردی که ازدواج می‌کند باید از صلاحیت‌های روانی-اجتماعی برخوردار باشد (آرندلا، ۱۳۸۳).

همچنین انتخاب همسر صمیمی و کیفیت رابطه‌ی بین زن و شوهر تحت تأثیر خاطرات رابطه‌ی والد-فرزندی اولیه‌ی آنها نیز قرار دارد و برای این که رابطه‌ی عاشقانه به ازدواجی دائمی بینجامد، باید در زمان مناسبی روی دهد. دو نفر ممکن است مناسب یک-دیگر باشند، اما اگر یکی یا هر دوی آنها با توجه به رشد یا زمان‌بندی اجتماعی خود برای ازدواج آمادگی نداشته باشند، رابطه‌ی آنها احتمالاً قطع می‌شود (برک، ۱۳۸۹).